

حدود صلاحیت ولی در معاملات صغیر در حقوق افغانستان

چکیده

یکی از مشترکات همه نظام‌های حقوقی در زمینه حقوق قراردادهای لزوم اهلیت معامله طرفین قرارداد است. رشد قوای فکری و دماغی اشخاص برای استیفای حقوق مالی، یکی از ملاک‌های تعیین این صلاحیت است. از این‌رو، بر مبنایی که در حقوق قراردادهای معاملات طیفی از اشخاص - از جمله کودکان که به فقدان یا نقصان اراده انشاء قرارداد دچار هستند، جز در موارد استثنایی - فاقد اعتبار حقوقی است. اما امروزه و با ارتقای نسبی ضریب دانایی انبای بشر و شاید رسوخ اندیشه‌های حقوق بشری در حمایت از منافع اشخاص، حقوق قراردادهای کشورها نیز «اعتبار و الزام حقوقی» معاملات نوعاً نافع صغار و «قابلیت ابطال» شماری از قراردادهای نافع ولی ریسک‌پذیر وی و نیز نظارت ولی را جهت کاهش شمار قراردادهای باطل صغار پیش‌بینی کرده است. زیرا نظام حقوقی افغانستان مبتنی بر فقه اسلامی بوده یعنی قوانین افغانستان بر خواسته از متون فقهی می‌باشد. از این‌رو؛ در اتخاذ برخی مبانی واحد و برخی رویکردهای فوق از یک‌سو و اختلاف آن‌ها در موارد دیگر، می‌تواند زمینه مناسبی برای بررسی تطبیقی در حقوق موضوعه و فقه باشد. بر پایه این اشتراکات و اختلافات، می‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت ترتیبات حقوقی‌ای را فراهم آورد که صلاحیت ولی در معاملات صغیر، مبتنی بر فقه اسلامی بوده و منجر به آماده‌سازی صغیر برای حیات حقوقی وی بعد از بلوغ گردد. در نتیجه این تحقیق روشن گردیده است که در حقوق افغانستان با توجه به فقه اسلامی تصرفات ولی در اموال صغیر و اعتبار قراردادهای سودمند صغیر - پیش‌بینی شده است.

کلیدواژه‌ها: حدود صلاحیت، معاملات، ولی، صغیر، فقه، حقوق.